

نگاهی به جایگاه مسجد در شهر، نمونه موردی: مسجد در شهر معاصر شیراز

مهندس حمید سقاپور، مهندس طاهره (سها) نصر

چکیده

با توجه به حکومت‌های مذهبی که بر اساس دیدگاه‌های ایدئولوژی اسلامی در شکل‌گیری ساختارهای شهری تاثیر بسیار داشته است باید به این امر توجه ویژه ای نمود که حکومت در دوران گذشته و حال بر پایه سه محور اقتصاد و سیاست و مذهب شکل گرفته است که از ارکان مهم قدرت مذهب بوده است که مساجد پایگاه اصلی مذهب در جامعه به شمار می رود. از این رو نقش مساجد در شکل‌گیری و روند توسعه شهری بسیار پررنگ است که با بررسی آن می‌توان تاثیر آن و جایگاه فرهنگی در توسعه اجتماعی را بدست آورد. مسجد به عنوان یکی از نیایشگاه‌های اصلی جهان اسلام همواره مورد توجه قرار داشته و نقش آن در شهرسازی اسلامی و پلانهای شهری نیز مد نظر بوده است. شکل‌گیری شهرهای قدیم بر اساس الگوی مسجد و نقش کالبدی آن در عرصه بزرگ شهری است. اما امروزه متأسفانه این عنصر نه تنها در معماری تفاوت‌های چشم‌گیری با دوران قبل از خود داشته بلکه در نمای شهری نیز نادیده گرفته شده است. این مقاله که قسمتی از یک طرح پژوهشی است به بررسی نقش مسجد در شهرسازی معاصر شیراز می‌پردازد و چگونگی شکل‌پذیری ارزشهای شهرسازی را مورد توجه قرار می‌دهد.

واژه های کلیدی: مسجد، شهر اسلامی، فلسفه اسلامی

فصل اول - شهر از دیدگاه اسلام و حکومت‌های اسلامی

شهر سازی در دوران اسلامی برگرفته از چهار قدرت بود که اول مکان حکومت یا کاخ خلیفه از ویژگی‌های آن به حساب می‌آید. سپس پایگاه فرهنگی، اجتماعی آن که مسجد نام گرفت از ویژگی خاصی برخوردار گشت که بعدها مکانی برای سیاستگذاری و ارتباط مستقیم حکام با مردم و همچنین برپایی نمازهای یومیه و نماز جماعت و جمعه گردید. سپس پایگاه سوم قدرت که همان مکان سپاهیان و نظامی بود شکل گرفت و بدین صورت سه ارکان مهم قدرت پایه ریزی شد. از طرفی پایه چهارم قدرت که نیاز آن احساس می‌گشت یعنی بازار و جنبه اقتصادی آن با مبادلات کالاها استقرار گردید. بدین صورت هسته اولیه شهرهای اسلامی بوجود آمد که بعدها با استقرار افراد و مردم شهرها توسعه زیادی یافتند و گونه‌های متفاوتی از مساجد در شهر شکل گرفت که به تفصیل در خصوص آن خواهیم پرداخت.

فصل دوم - مساجد در ایران

بی شک همه ایرانیان در آثار هنری قبل از اسلام که نوعی هنر متکی به تجربیات فنی و با ارزش و مستقل از شیوه‌های بیگانه بوده است آگاهی کامل دارند که در خلق انواع فضاهای این مهم مشهود است. اما با همه این احوال معماران ایرانی و مسلمان از زمان ورود اسلام به ایران در ایجاد فضاهای معمارانه با اسلوب ایرانی و با هدف الهی، دچار وقفه شده‌اند. این وقفه، شامل مدت زمانی است که آنها به منظور آشنایی با ایدئولوژی اسلام و تأثیر آن در ایجاد فضاهای معماری صرف کرده‌اند، آثار این دوره فقط تقلیدی بود از سبک و شیوه ساخت معماری اسلامی مسلمانان عرب.

مبحث اول - تحول و تکامل معماری مساجد در ایران

تأثیرپذیری انواع فضاهای معماری از عوامل مؤثر در شکل‌گیری بنا یکسان نبوده است. برای ملل تأثیر اقلیم و جغرافیا بر روی شکل‌گیری فضاهای مسکونی بیش از سایر بناهاست و به همین سبب است که جبهه‌های مختلف یک خانه هیچ‌گاه دارای کارکرد، طرح و فضای واحدی نبوده‌اند و هر کدام از آنها متناسب با واقعیت استقرارشان در شمال، جنوب، شرق و غرب، در هر ناحیه، از طراحی خاص برخوردار می‌شده‌است، در حالی که در برخی از بناهای عمومی و مذهبی تأثیر اقلیم در طراحی کمتر بود. برای مثال در مدرسه‌های علمیه و کاروانسراها، حجره‌ها را در هر چهار جبهه پیرامون حیاط و غالباً با شرایط یکسان طراحی و احداث می‌کردند تا از بیشترین فضای پیرامون حیاط بهره‌برند.

در بین انواع فضاهای معماری، مساجد به خصوص مساجد جامع در شهرهای بزرگ کمتر از سایر بناها از عوامل اقلیمی تأثیر می‌پذیرفته و بیش از همه تحت تأثیر فعالیت‌های عبادی و اصول عمومی طراحی مساجد قرار داشته‌است. برای مثال حفظ جهت قبله در طراحی مسجد و قرار دادن شبستان اصلی در جبهه طرف قبله از اصولی بود

که کمابیش در همه مساجد رعایت می شد . بسیاری از خصوصیات رفتاری فعالیت های عبادی و به خصوص تقریباً همه خصوصیات مهم اجرای نماز از آغاز تا کنون تقریباً ثابت بوده است . در نتیجه روند طراحی مساجد به صورت عمده تحت تأثیر دگرگونی در الگوی رفتار و تغییرات حادث در نوع فعالیت قرار نمی گیرد، بلکه بیشتر تحت تأثیر تحول طراحی و تکامل آن قرار داشته است و از این لحاظ مساجد را می توان شاخص تحول طراحی معماری ایرانی دانست. در معماری سنتی سایر فرهنگ ها و کشورها نیز کماکان همین وضعیت وجود دارد .

مبحث دوم - روند طراحی مساجد جامع

مساجد از لحاظ کارکردی به انواع گوناگونی قابل طبقه بندی هستند که از آن جمله می توان به مساجد جامع، محله ای، نمازخانه ای، روستایی و مصلی اشاره کرد. در این میان مساجد جامع از لحاظ طراحی عموماً از بهترین وضعیت برخوردار بوده اند و کمتر از سایر انواع مسجد از خصوصیات اقلیمی و بومی تأثیر می پذیرفته اند به عنوان مثال مسجد جامع عتیق در موقعیت شهری شیراز می تواند نمونه ای از نحوه شکل گیری آن در بافت باشد که در تصاویر و نقشه پیوست موقعیت آن مشخص شده است.

مبحث سوم - تأثیر ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی در معماری ایرانی

همانگونه که بر همگان پرواضح است معماری از مبنای ساختاری بر دو محور استوار است. ابتدا بحث تئوریک و ساختار فکری آن که میتوانند نوع نگرش و سازمان فکری و اجتماعی آن را در محیط مورد نظر به بحث بگذارد و نظریات حاکم بر آن را از نظر مبانی غنی سازد و دوم آنکه تکنولوژی ساخت و عناصر فیزیکی سازنده آن که خود در تنوع شکل و رنگ و خلق پدیده های اجرایی در معماری تأثیر بسزایی دارد در بحث اول مثالهای شایان ذکری را می توان بیان کرد همانند فلسفه هایی که در دوران معاصر بوجود آمد مانند دیدگاه هایدرگر، کانت و دیگر فلاسفه که به مرور زمان وارد هنر گردید و در انتها تأثیر خود را توسط معماران در ساختار فکری معماری بروز داد.

بنابراین باید اذعان داشت زمانی که اسلام ظهور می کند جهان بینی اسلام همراه با ایدئولوژی نوین آن متولد می شود، یگانگی، توحید، عدل، برابری و دیگر شعارهای مربوط به آن با فلسفه اسلامی توأم میشود.

حال با نفوذ دین مبین اسلام به جوامع بشری زیرساختهای فکری خود را در تمام زمینه های اجتماعی به مرور وارد می سازد که از جمله این عناصر فضای عبادت و هنر مقدس مبتنی بر جهان بینی اسلامی است که معماری ایران را با نگاه به خود تحت تأثیر قرار داده و متعالی می سازد . وجود تفکر اسلام در معماری به خلق مسجد می انجامد و نگاه نوینی به مکانهای عبادی می کند . این باعث می شود که روح اسلام، معماری مقدس را بوجود آورد که بعدها سبکها و شیوه های متعددی از نوع دیدگاههای اسلامی در مساجد تأثیر گذارده و معماری های زیبایی را خلق کند. این تأثیر در شیراز نیز عمیقاً دیده می شود که از جمله آن معماری مسجد جامع عتیق، مسجد وکیل و بافت شهری بعد از اسلام را می توان نام برد.

فصل سوم - کیفیت جایگیری در شهر

مبحث اول - موقعیت در سطح شهر

مساجد بر حسب عملکردها و نقشی که در حیات شهری عهده دار می شدند در چهار گروه مختلف قابل دسته بندی هستند:

الف - مساجدی که در رابطه مستقیم با حکومت قرار گرفته و محل انجام مراسم دینی امرا و پادشاهان و حتی بار عام و تشریفات آنها بوده اند. مسجد جامع تا زمان صفویه و مسجد امام و مسجد شیخ لطف الله در زمان سلسله صفوی چنین نقشی را ایفا می کردند. با توجه به این جایگاه، این گونه مساجد در مرکز ثقل شهر، در مجاورت قصر سلطنتی و در کنار میدان اصلی و مرکزی شهر قرار می گرفتند.

از نوع مساجد سلطنتی در کلیه شهرهای ایران وجود دارد، پایه و اساس آن همانگونه که بیان گردید قدرت حکومت بوده است. مسجد وکیل شیراز در بافت حکومتی زندیه شکل گرفته و در حقیقت پایه مذهبی حکومت بوده است.

ب - مساجدی که در پیرامون محور اصلی و ستون فقرات شالوده شهر قرار داشتند. این مساجد خود به دو گروه قابل تقسیم اند:

- مساجدی که در پیرامون ستون فقرات اصلی شهر قرار گرفته و علاوه بر انجام فریضه نماز محل اجتماع و فعالیت های دیگر نیز بوده اند.

- مساجدی که در ابعاد کوچک و اغلب فاقد فضای باز در بدنه بازار و ستون فقرات شالوده ای شهر قرار گرفته و صرفاً محل ادای فریضه نماز برای کسبه راسته یا گذرهای مجاور خود بوده اند.

ج - مساجدی که در مرکز محلات و در مجاورت راسته های اصلی قرار گرفته و نقش مرکز فعالیت ها را در سطح محله ایفا می کردند. این مساجد اغلب توسط افراد صاحب نام ساخته شده و در مجاورت آنها حمام و کاروانسرا و بازارچه ای نیز ایجاد می شد که عواید آن وقف مسجد بود و بدین ترتیب امور مسجد اداره می شد. این مساجد اغلب دارای فضاهای متنوع و ابعاد بزرگی بودند و گاه مدرسه و مسجد در کنار و با در تلفیق با هم ایجاد می شدند (همانند مسجد - مدرسه خان در شیراز).

د - مساجد کوچکی که در محلات مختلف پراکنده بودند و به عنوان محل انجام فریضه نماز و عبادات اهالی ساکن در محلات شناخته می شدند. تعداد زیادی از این گونه مساجد در سطح شهر و در همه محلات وجود داشت. در حالی که سه گروه اول مساجد به طور عمده در بخش مرکزی شهر گرد آمده و جای گرفته بودند. با توجه به دسته بندی ذکر شده، فضاهای اصلی مجاور فضای مسجد در هر یک از گروه های مساجد به صورت زیر است:

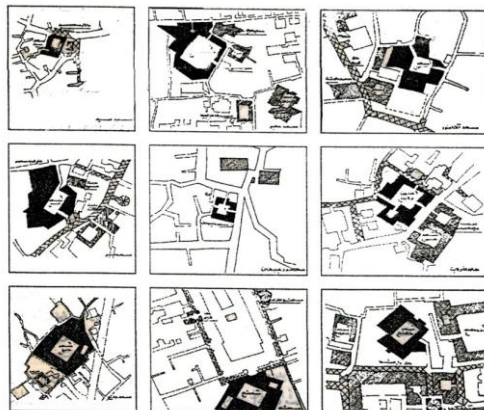
- میدان مرکزی شهر، سلطنتی، بازار؛
- بازار، سراها و کاروانسراها، حمام و ...؛
- بازارچه، حمام، کاروانسرا، مسکن؛
- مسکن.

در رابطه با مساجدی که عملکرد آنها در مقیاس شهر و فرامحله اهمیت می یابد سه خصوصیت عمده را می توان برشمرد:

نخست: مرکز: این گونه مساجد در بافت قدیمی تر شهر متمرکز شده اند و در بسیاری موارد مساجد جدید بر مکان مسجد قدیمی بنیان نهاده شده اند . محلات نوساز گرچه دارای مسجد خاص خود می شوند، اما عملکرد اصلی این مساجد ادای فریضه نماز و آیین های عبادی است.

دوم: تجمع: این مساجد حول محور اصلی بازار و محورهای منشعب از آن که گذرهای اصلی شهر را تشکیل می دهند، جمع شده و دسترسی خود را از آنها می گیرند.

سوم: امتزاج: آن گروه از مساجد که در بدنه بازار واقع اند استقرار ممزوج را واجد هستند . مساجدی که در مقیاس شهر کارکرد می یابند، خود را از بدنه مجاور تا حدود زیادی متمایز ساخته اند.



مبحث دوم - روش ساخت

گفتار اول - ارتباط با نظم مقدس

همه مساجد رو به قبله ساخته شده اند. در مساجد بزرگ و دارای اهمیت در سطح شهر یا محله، کل بدنه مسجد در جهت قبله شکل گرفته است. در مساجد دیگر (مثل مساجد موجود در بافت بازار و یا مسجد امام و مسجد شیخ لطف الله در مجاورت میدان نقش جهان) کل بنا با بافت مجاور منطبق شده است اما دسترسی به فضاهای اصلی مسجد با چرخش صورت می گیرد، به ترتیبی که فضاهای اصلی در راستای قبله جهت می یابند.

گفتار دوم - ارتباط با نظم هوا

بدنه اغلب مساجد در جهت باد غرب (که در فصول سرد می وزد) بسته است، در عین آن که اکثر مساجد به دلیل انطباق با نظم مقدس، در جهت «رون» اصفهان قرار نگرفته اند. مگر مساجدی که بنا به ضرورت بافت همجوار خود چنین جهتی را یافته اند.

گفتار سوم - ارتباط با نظم آب

حوض از عناصری است که در فضای باز درونی اغلب مساجد دیده می شود. مگر در حالتی که فضای باز به قدری کوچک است که امکان تعبیه حوض در آن نبوده است. حوض، اغلب در میانه حیاط، جز آن که محل قرار گرفتن وضو و آب خوردن انبوه کبوتران و پرندگان دیگر است، به عنوان عنصری تزینتی و مبلمان شهری در شکستن دید و کاستن از وسعت ابعاد فضای حیاط مسجد برای رهگذرانی که در میانه راه خود از درون حیاط مسجد عبور می کنند، موثر است. اهمیت چنین نقشی وقتی افزایش می یابد که وضوخانه موجود در جوار یا درون مسجد، آب پاکیزه تری را برای نمازگزاران فراهم می سازد و اغلب مساجد بزرگ چنین وضوخانه ای را دارند.

گفتار چهارم - ارتباط با نظم گیاه

فضای باز درونی مساجد از گیاه خالی است. این امر می تواند دلایل متعددی داشته باشد. از آن جمله پوی بودن فضای باز درونی مساجد به دلیل خاصیت عبوری آن، در عین حال استفاده از این فضا برای نماز گذاردن که لزوم حفظ یکپارچگی حیاط را پیش می آورد.

گفتار پنجم - ارتباط با نظم خاک

چگونگی اراضی و برخورد با قشر غیر قابل نفوذ در فاصله اندکی از سطح زمین (۱۵ سانتی متری تا ۱/۵ متری) از سویی و بالا بودن سطح آب های زیر زمینی از سوی دیگر، همراه با اعتدال هوا و عدم نیاز جدی به پناه بردن به خنکای زیر زمین (مانند مناطق کویری) سبب شده است که نیاز به زیر زمین و سرداب چندان شدید نباشد.

گرچه در برخی از مساجد که کارکردهای دو گانه مسجد - مدرسه دارند، با بردن شبستان ها در عمق معین، امکان ایجاد حیاط های مدارس را در ارتفاع فراهم کرده اند.

گفتار ششم - ارتباط درونی و بیرونی

از نظر نحوه ارتباط مسجد با فضای دیگر نیز مساجد را باید به دو گروه عمده تقسیم کرد:

الف- مساجدی که عملکرد آنها مح دود و در مقیاس درون محله ای است . این مساجد اکثراً از طریق یک ورودی با فضای بیرونی ارتباط می یابند . در مواردی ورودی به حیاط مسجد گشوده می شود . در مساجدی از این نوع که در بافت بازار قرار دارند، ورودی مسجد به درون فضای بسته مسجد راه می یابد (چون اکثراً این مساجد فاقد فضای باز هستند).

ب- مساجدی که عملکرد آنها در مقیاس فرا محله ای و یا شهری است . در این مساجد چند ورودی ارتباط فضای درونی مسجد را با فضاهای پیرامون فراهم می سازد . این ورودی ها از جوانب مختلف به درون حیاط راه می یابند و در برخی مساجد مثل مسجد جامع، مسجد حکیم، مسجد سید ... تعدد ورودی ها و گشوده شدن آنها در بخش های مختلف حیاط، خصلت عبوری فضای درونی را تشدید می کند. مسجد شیخ لطف الله از نظر نحوه ارتباط درونی و بیرونی موقعیت ویژه ای دارد که ناشی از عملکرد خاص آن است.

گفتار هفتم - ترکیب فضاها در اطراف فضای باز درونی

گوناگونی فضاهای مسجد که پیرامون فضای باز درونی قرار گرفته اند، ترکیب فضاهای اطراف فضای حیاط را از تنوع زیادی برخوردار کرده است:

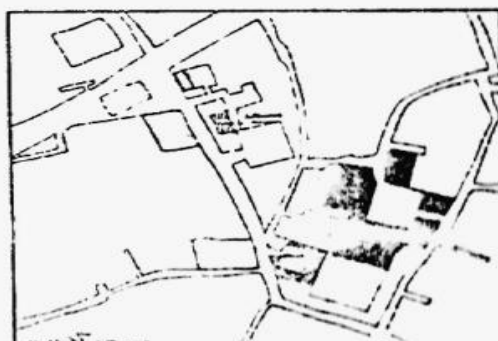
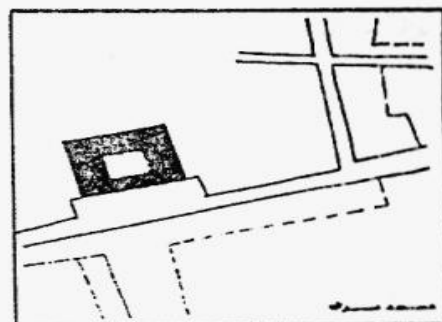
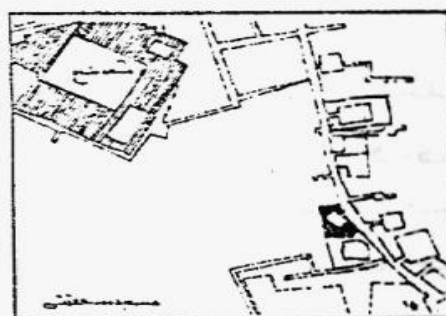
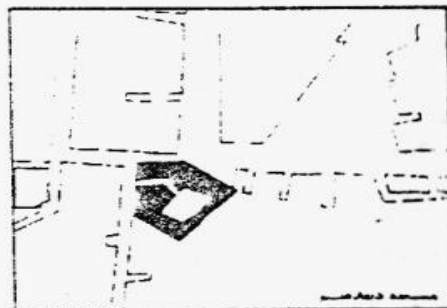
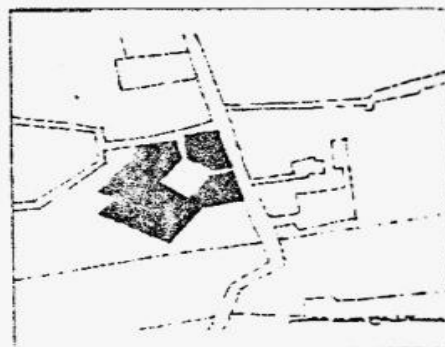
در حالتی که شبستان مجاور حیاط قرار می گیرد، ردیف طاقی های مشرف به حیاط با شبکه گچی پوشانده می شود و در واقع فضای بسته ای در جوار حیاط دیده می شود که با روزن متخلخل شده است.

در حالتی که فضاهایی مثل حجره ها وجود دارند، فضاهای نیمه باز در اطراف حیاط قرار می گیرند

در حالتی که فضاهای مجاور حیاط عملکردهای خصوصی دارند و شکل تاق های مجزا می یابند - به ویژه در مساجد کوچک - اطراف حیاط فضاهای بسته قرار می گیرند.

در حالتی که ترکیبی از مسجد و مدرسه وجود دارد، حیاط های عقب نشسته در ارتفاع، کالبد بخش مربوط به مدرسه را شکل می دهند.

در موردی مثل مسجد آقانور، حیاط در طبقه دوم، شبستان روباز در اطراف حیاط را ساخته است.

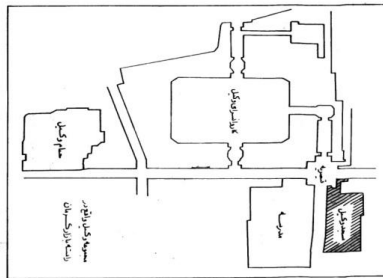


مبحث سوم - انسجام فضایی - مکانی

یکی از مفاهیمی که ارزش های فضایی - مکانی مسجد را در ایران باز می نمایند، انسجام فضایی - مکانی است. یکی از ارزش های سازماندهی فضایی عناصر شهر که به خوبی مفهوم انسجام فضایی را دارد و سطح خرد و کلان را بیان می کند، مجموعه سازی است. مجموعه سازی را می توان چنین تعریف کرد: «ایجاد یک کل منسجم از عناصر از هم متمایز را از نظر کالبدی به هم پیوسته که زمینه رابطه متقابل کارکردی میان واحدهای عمومی شهر را هموار کرده است».

در ایران، مجموعه سازی ها با هدف ایجاد همزیستی میان عناصر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با اشغال فضای مرکزی در سطح محله و شهر، مسجد را نیز به عنوان جزئی اصلی در نظام فضایی - اجتماعی در بر گرفته، اتصال و پیوستگی آن را با واحدهای مسلط در مجموعه حفظ می کرده است.

معماران این مجموعه ها با ایجاد بناهای متنوع سعی در پوشاندن و تحت الشعاع قرار دادن تأثیر زیبایی شناختی برای مسجد را نداشته و با بهره گیری صحیح از هنر پیوند توده و فضای مسجد را در نقاطی خاص به سایر بناها پیوند داده و به اندیشه افزایش کارآیی و تأثیر بصری این مکان مقدس احترام می گذاشتند.



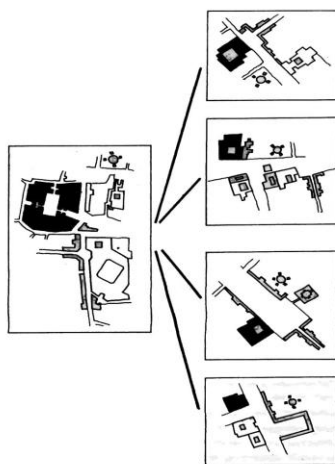
مبحث چهارم - پویایی فضایی - مکانی

گرچه اصطلاح پویایی فضایی - مکانی به یک م عنابر کم و کیف تحولات فضا در گسترش زمان تأکید دارد. پویایی فضایی ساده و شکیل مسجد مرهون جایگزینی آن در سلسله مراتبی از فضاهای عمومی و نیمه عمومی، ایستا و پویا، فضاهای باز و سرپوشیده، خطی و گرد هم آورنده با مقیاس های کوچک و بزرگ و با عملکردهای متنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

پیوستگی مسجد با این فضاها که در فرد حس تداوم، تنوع و تحرک فضایی را القا می کرد. پیوند استفاده کنندگان با اهداف و نیازهای متفاوت را نیز به همراه داشت و مکملی برای پویایی فضایی و مکانی آن بود.

اتصال مساجد گذشته به گذرهای فرعی و اصلی اطراف از طریق استقرار ورودی های قابل دید و نمایان در مسیر حرکت فرد، هدایت او را به نقاط داخلی آن بر عهده داشت . گاه تعداد این ورودی ها و اتصال آن به صحن مساجد، عرصه ای برای تداوم و تنوع حرکت های عبوری افراد پدید می آورد.

صحن مسجد به عنوان فضایی محصور، تعریف شده و قابل ادراک، با شکل منظم هندسی خود بر تباین میان فضایی کاملاً سازمان یافته با فضای نامنظم اطراف به منظور دستیابی به «تعادل فضایی» تأکید داشته است. این فضا به عنوان نیروی سازمان دهنده در شبکه ارتباطی پیاده عمل می کرد، ضمن هدایت حرکت عابرین، آنها را در فضایی مقدس و معنوی قرار می داد. به این ترتیب، طراح مسجد مهارت و توانایی خود را در پوشاندن بی نظمی های شکل زمین در قالب توده ساختمانی به کار گرفته و با ایجاد صحتی شکیل و منظم، این فضا را برای پذیرش بخشی از فعالیت ها و روابط اجتماعی مردم محله و شهر آماده می ساخت. این گونه سازماندهی فضایی - مکانی با ممانعت از متروک ماندن فضای مسجد، پویایی فضایی - اجتماعی آن را تضمین می کرد.



مبحث پنجم - آگاهی عابر از سمت و سوی مسجد

در مساجد گذشته حرکت به سمت مسجد، حرکتی پیاده، تدریجی، پرمعنی و جاذب بود که تعریف مقصد می کرد.

مقیاس بزرگ و تمایز چشمگیر کالبد مسجد نسبت به بناهای پیرامون به همراه عناصر حجمی تعریف شده و شاخص هایی همچون گنبد و مناره بر حضور برجسته مسجد به عنوان یک نشانه شهری قابل احترام تأکید داشت، شناسایی مسجد را از فواصل دور میسر می ساخت و به جهت یابی فرد کمک می کرد، علاوه بر آن فرد را از حرکت به سوی مکانی مهم، معنوی و قابل تعظیم آگاه می ساخت.

به دنبال تعیین جهت حرکت، عابر با گذر از فضاهای متنوع تا رسیدن به صحن و پای اصلی مسجد به همراه تفاوت فضاها و مناظر، صداها، بوها و فعالیت های متفاوتی را نیز در مسیر حرکت خود تجربه می کرد و به نحوی تدبیر شده به سوی مسجد هدایت می شد. همان گونه که در قبل اشاره شد، توجه ویژه به مکان یابی کاربری متناظر و متناسب با فعالیت مسجد در نزدیکی و جوار آن، عابر را از نزدیک شدن تدریجی به مکان مسجد آگاه می کرد و به نقش نشانه های آن قوت می بخشید. با ملحوظ داشتن این تدابیر در سازمان دهی ویژگی های فضایی مسجد و فعالیت های اطراف آن بود که ناظر از جستجو برای تابلوهای معرف هویت مکان بر فراز بنای مسجد بی نیاز می گردید.

آنچه به عنوان یکی از خصوصیات ارزنده نهفته در فضای مکانی مساجد گذشته ما آموختنی است، حضور اندیشه ای است که حرکت به سمت مسجد را به جای حرکت مکانیکی صرف، حرکتی آگاهانه و هدفمند می داند که پوینده را نه تنها به سوی مقصد بلکه به جانب مقصودی معنوی هدایت می کند و بر این اساس فضای مکانی وظیفه هدایت حرکتی (جابجایی) و هدایت ذهنی و روحی فرد را به طور همزمان عهده دار شود و در او حس ناشی از جدایی تدریجی از محیط «بیرون» و پیوستن به فضای «درون» و حضور در فضایی معنوی را بر می انگیزد.

مبحث ششم - آگاهی ناظر از رسیدن به مسجد

همراهی فضای مکانی مسجد با عابر، سرانجام با ارائه جلوه هایی از شکوه کالبدی بنای مسجد، حسی از حضور در جایگاهی والا و مقدس را به وی القا می کرد. سازندگان مسجد این بار نیز با تمایز بخشیدن به عناصر کالبدی بنای اصلی آن در مقایسه با متن محیط پیرامون، رسیدن عابر به مقصد - مسجد - را به او اعلام می داشتند. مواجه شدن با ورودی های تعریف شده و نمایان، صحنی م - حضور و با طاقنماهای منقوش و آبنمایی در میان گنبد و مناره و سردر عظیم، رسیدن به مقصد و به مقصودی متعالی را خبر می داد.

در معماری این مساجد، توجه به چشمگیری و ارزندگی بصری ممتاز بنای مسجد (به واسطه بهره گیری از مصالح، رنگ ها، خطوط، نقش ها، نمادها و نشانه های خاص و مراعات قالب های هنری چون ترکیب، ریتم،

وحدت، توازن و تقارن) و یا به حداقل رساندن تداخل ها و اغتشاشات بصری (عدم استفاده از مجسمه ها، درخت های مرتفع، پر شاخ و برگ در مقابل سطوح بنا) بر وضوح و پرمایگی تجربه حسی محیط افزوده و امکان دریافت ذهنی از فضایی واحد را مهیا می کرده است. دریافت این «بیان حسی» از سوی ناظر و پردازش ذهنی آن، از آنجا که با اطلاع از زمینه های ذهنی مخاطب- ایرانی و مسلمان- به کار گرفته شده است، قرائت ناظر از فضای مسجد را به راحتی میسر کرده و به او این امکان را می دهد که با شکل دهی به یک سازمان مفهومی تعریف شده و آشنا در ذهن، به هویت مکانی- معنوی و اسلامی- خود پی برده و از رسیدن به مقصد و حضور در آستان مسجد آگاهی یابد.

مبحث هفتم - چگونگی احساس تعلق خاطر و دلبستگی به فضای مکانی مسجد

احساس تعلق و دلبستگی نسبت به مکان، سطح بالاتری از حس مکان را تشکیل می دهد که در موفقیت هر فضای مکانی- به منظور جذب، بهره مندی و تداوم حضور در مکان- نقشی تعیین کننده دارد. احساس تعلق و دلبستگی به مکان بر پایه حسی فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان، به پیوند فرد با مکان منجر می شود به نحوی که او خود را جزئی از مکان می داند و بر اساس تجربه هایش از نشانه ها، معانی و عملکردهای مکان، معنی و شخصیتی برای مکان در ذهن خود متصور می سازد که در نزد او منحصر به فرد و متفاوت از دیگر مکان ها، مهم و قابل احترام است.

در سازماندهی فضای مکانی مساجد گذشته القای چنین حسی به استفاده کنندگان مورد توجه بوده است. در پی جویی این ویژگی، توجه به تأثیرات مطلوب ناشی از پویایی و همگرایی میان اجزای فضایی و عملکردی، نکته ای آموختنی است. بافت متنوع و منسجم فضای مکانی مسجد، ترکیب ادراکی و عملکردی توانمندی را در پیرامون مسجد شکل می داد که به لحاظ همخوانی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با نیازها و الگوهای رفتاری متنوع و متعارف جامعه- چه در بعد فردی و اجتماعی- به القای حسی از آشنایی و تعلق به مکان می انجامید. در حقیقت سازندگان مساجد در آن روزگار، با افزودن بر دامنه انگیزه های مختلف حاضر در محیط و با بالا بردن دامنه انتخاب فرد، بر مقبولیت و دلپذیری حضور در فضای مکانی مسجد می افزودند. در بررسی دقیق این امر، در چارچوب محدود موضوع مقاله، موارد زیر قابل ذکرند:

مکان یابی مسجد در مسیر راه های اصلی و فرعی ارتباطی، امکان انتخاب بیشتری در اختیار استفاده کنندگان گذاشته و به واسطه توجه به این ویژگی، مفهومی مثبت از سهولت دسترسی و سهل الوصول بودن مسجد را در اذهان جای می داد.

انتقال تدریجی فرد از «بیرون» به «درون» از طریق ساماندهی مدبرانه فضاهای متنوع، ارتباط او را از دنیای مادی و پریهایوی بیرون می گسست و زمینه حضور او را در فضای «درون» و «آرام» مسجد، آماده می ساخت؛ فضایی که پاسخگوی نیاز فرد به تنهایی و خلوت، تفکر و تمرکز و عبادت، در کنار «با هم بودن» و انجام مناسک

مذهبی جمعی بود و به دلیل مطلوبیت یعنی احساسی ارزشمند، تعلق خاطر و دلبستگی به مسجد را تقویت می کرد.

خلق مجموعه ای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیرامون مسجد و در انطباق با نیازهای متناظر انسانی، شبکه ای در هم تنیده از روابط اجتماعی و اقتصادی را در جوار مسجد شکل می داد. با توجه به این ویژگی ضمن آن که مسجد را در منظومه ای از عملکردهای متنوع و آشنا جای می داد و آن را بخ شی از ملزومات حیات جاری شهر قلمداد می کرد، قادر بود اقشار مختلف را به دلایل متفاوت و در زمان های مختلف به فضای مکانی مسجد جذب کند و با ایجاد حرکت و پویایی اجتماعی در اطراف آن بر حس هویت و سرزندگی آن بیفزاید. وجود چنین تحرکی، زمینه نظارت اجتماعی غیر رسمی را افزایش می داد و با ایجاد بافت اجتماعی در فضای مکانی مسجد، محیطی امن مهیا می ساخت.

در واقع آنچه که از این یادگار در شرایط امروز می توان آموخت، حذف فاصله میان فضای مقدس مسجد و مکان زندگی جاری مردم است. تأکید بر همجواری و پیوند زندگی مادی و معنوی موجب می شود فرد خود را آشنا و جزئی پیوسته به فضای مکانی مسجد احساس کند. این حس با نفی «از خود بیگانگی» فضایی - مکانی با حس آرامش بخش و خوشایندی همراه است که تعلق خاطر و دلبستگی فرد به فضای مکانی را فراهم می آورد.

فصل چهارم - ضوابط مسجد سازی امروز

مساجد امروزی نیز باید اولاً همانند بناهای مستحکم امروز از نظر سازه ها طراحی و ساخته شوند. ثانیاً جوابگوی نیازهای جامعه - با توجه به تکنولوژی و اصول زندگی اجتماعی امروز باشند. بطور کلی مساجد مدرن باید طبق اصولی که شرح آن خواهد آمد طراحی و ساخته شوند تا ضمن بر آوردن نیاز اجتماعی، از ابهت و چشمگیری و معنویت خاص خود بهره مند باشند تا از این عظمت برای معنویت دین مبین اسلام بهره گیری شود؛ لذا شرایط عمومی مساجد عبارتند از:

مسجد در اماکن پرجمعیت و آباد ساخته شود

مسجد حتی الامکان در محیط های خوش آب و هوا و مرتفع بنا شود.

فضاسازی سبز مناسب در خود مسجد و محوطه اطراف آن انجام گیرد.

مساجد در فواصل معین و دور از هم ساخته شوند و از مسجد سازی در مجاورت مسجد، جداً پرهیز شود.

مسجد در کنار خیابان و یا کوچه های عریض اصلی و معابر پر رفت و آمد ساخته شود.

مسجد در زمین گسترده و چشمگیری ساخته شود و در طرح و اجرای فضاهای جنبی دقت کافی به عمل آید.

به طور کلی در مسجد سازی مدرن سه اصل مهم مد نظر است: اصل طراحی، اصل اساس سازی، اصل نماسازی.

منابع و مآخذ:

۱. پوپ، آرتور (۱۳۸۲): معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، نشر اختران، تهران.
۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۷۴): معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۳. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۰): سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، نشر پژوهنده معمار، تهران.
۴. زمرشیدی، حسین (۱۳۷۴): مسجد در معماری ایران، کیهان، تهران.
۵. سقاپور، حمید، نصر، طاهره (۱۳۸۸): نقش مسجد معاصر در شهر سازی امروز شیراز، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز.
۶. کیانی، یوسف (۱۳۷۹): معماری ایران دوره اسلامی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.
۷. مجموعه مقالات اولین همایش معماری مسجد، انتشارات دانشگاه هنر، تهران. _ (۱۳۷۸):
۸. مجموعه مقالات دومین همایش معماری مسجد، انتشارات دانشگاه هنر، تهران. _ (۱۳۸۰):
۹. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷): معماری ایرانی، انتشارات سروش دانش، تهران.
۱۰. نصر، طاهره (۱۳۸۶): از هنر و هنر اسلامی، انتشارات نوید، شیراز.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷): معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد

۱۱.